



نوشته: وحید امان پور



اکت اول:

(تماشاگر تماشاخانه)

می خواهیم در نخستین اکت از تماشاخانه در نشریه حرف امروز با شما به تماشای تئاتر ایران بنشینیم، تئاتری که دارای پیشینه ی تاریخی درخشانی است و از دیرباز در نمایش های مذهبی و شبیه خوانی در ایران متبلور شده است.

در تمام ممالک پیشرفته و صاحب هنر، سطح فرهنگ و تمدن مردم آن را در سالن های تئاتر جستجو می کنند. اما امروز فرهنگ و تمدن کشورمان و چرا راه را دور کنیم، فرهنگ و تمدن شهرمان را در کجا می توان یافت؟ در سالن های تئاتری که هیچکدام از ما نمی دانیم کجاست؟! (که هیچ یک از سالن ها در شان و منزلت تئاتر خراسان بزرگ نیست) یا اگر می دانیم، آیا رفته ایم تا با این هنر زنده و فاخر لحظاتی ناب را سپری کنیم؟

تئاتر ایران در این روزگار حال و روز خوشی ندارد، غیر از پایتخت که تئاتر همیشه در جریان است که جای شکر دارد... امیدوارم در تماشاخانه باهم همراه شویم تا قدم های محکمی برای اعتلای تئاتر شهرمان برداریم و بیش از پیش به تئاتر پردازیم.

در اکت پیش رو شرح زندگی و آثار استاد بهرام بیضائی که بسیار خرسندیم که روشن شدن چراغ تماشاخانه تقریباً همزمان با میلاد وی (پنجم دی ماه) همراه است. در قدمهای بعدی تماشاخانه بیشتر به تئاتر استان و به ویژه شهر مشهد می پردازیم.

اکت دوم:

(روشنائی صحنه)

بهرام بیضائی متولد ۵ دی ۱۳۱۷ تهران، کارگردان تئاتر و سینما و نمایشنامه نویس و فیلمنامه نویس و پژوهشگر.

استاد بیضائی پایه و ستون تئاتر ایران زمین، کسی که ۵ دهه در تئاتر این مرز و بوم یک دم فرو نشست.

نمی توان این بزرگمرد تئاتر ایران را که به قول "اکبر رادی" حجت تئاتر ایران است در این بخش کوتاه معرفی کرد. می خواهیم ذره ای از کوششهای فراوان بزرگ ترین درام نویس ایران را با شما تقسیم کنیم.

بیضائی از همان ابتدای امر، نمایش ایرانی که همانا بزرگترین دغدغه ی وی نیز بوده است را به زیبا ترین و رساترین شکل ممکن به صحنه آورد.

و علی رغم تمام سختی ها و بی مهری ها نسبت به اجتماع خویش، هنرمندانه واکنش نشان داد. آنچنان که "محمد چرمشیر" می گوید: بیضائی یعنی عمق و استقلال رای،

بیضائی یعنی عکس العمل به رخدادهای جهان پیرامون.

بیضائی در گفتگو با "کاوه رستگار" می گوید: در تئاتر همه کار کرده ام، پرده کشی، مدیریت صحنه، طرح لباس و دکور، تنظیم نور، طرح آفیش و بروشور، دستیاری کارگردان و بالاخره کارگردانی تئاتر و همه جا چیزهایی آموخته ام و در جایی دیگر می گوید: تئاتر را تقریباً همزمان با سینما و باید بگویم حتی از طریق سینما کشف کردم و شناختم.

در عرصه ی درام نویسی بیضائی همراه با "اکبر رادی" و "غلامحسین ساعدی" موج نو درام نویسی ایران را رقم زدند.

رضا کیانیان بازیگر تئاتر و سینمای ایران از بیضائی چنین می گوید:

بازیگری بیضائی در برخورد با او می تواند خود بازیگرش را که فراموش کرده یا گم شده پیدا کند.

در پایان آرزو مندم بیضائی بزرگ همچنان برایمان باشد، آنچنان که بوده است.

اجراهای تئاتر:

عروسک ۱۳۴۶، میراث و ضیافت ۱۳۴۶، سلطان مار ۱۳۴۸، مرگ یزدگرد، بانو آثویی ۱۳۷۶

کارنامه بندار بیدخش ۱۳۷۷، شب هزاریکم ۱۳۸۲، مجلس شبیه در ذکر مصائب استاد نوید ماکان و همسرش رخسید فرزین

۱۳۸۴، افرایا روز می گذرد ۱۳۸۶

فیلم:

عمو سیبیلو ۱۳۴۹، رگبار ۱۳۵۰، غریبه و مه ۱۳۵۲، کلاغ ۱۳۵۵، چریکه ی تارا ۱۳۵۷، مرگ یزدگرد ۱۳۶۰، باشو غریبه ی

کوچک ۱۳۶۴، شاید وقتی دیگر ۱۳۶۶، مسافران ۱۳۷۰، سگ کشی ۱۳۸۰، وقتی همه خوابیم ۱۳۸۷.